



دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۲۸۴-۲۷۸۳

- باز آفرینی و باز نویسی در ادبیات تعلیمی کودک با تکیه بر متون کهن قلموس نامه - سیاستنامه دهه ۶۰ تا ۹۰
- باز تاب مفاصمین جنگ در شعر کودک و نوجوان دهه های ۸۰ و ۹۰ (با تأکید بر ده شاعر کودک و نوجوان)
- بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق در ایجاد تصاویر تخیلی داستان شب بغیر فرمانده بر اساس نظریه ژیلبر دوران
- بررسی تطبیقی الماسه های و کهن الگوهای ایرانی و لهستانی
- بررسی ساختاری هنرمند شخصیت در داستان های نوجوان محمدرضا باهرامی
- بررسی لزوم آموزش مسائل جنسیتی کودکان در ادبیات کودک ایران با توجه به متدهای تربیتی فرهنگی و رشد درک کودک
- بررسی مؤلفه های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (با تکیه بر آثار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و الماسه شعبان نژاد)
- تأثیر لعه گوئی الکترونیکی بر رشد مهارت های اجتماعی و تنظیم هیجانی کودکان کم توان ذهنی
- تحلیل محتوای مفاصمین و ویژگی های داستان رونی یک پیلانو لورت داده با تأکید بر موضوعات تربیتی و آموزشی
- تحلیل نشانه معناشناختی سازه روایی شخصیت در کتاب تصویر سیگانا
- مروری بر اهمیت آموزش کار آفرینی در مقطع ابتدایی
- نگرشی انتقادی به کارکرد زبان در آثار کودکان و نوجوانان

بررسی لزوم آموزش مسائل جنسیتی کودکان در ادبیات کودک ایران با توجه به متدهای تربیتی فرهنگی و رشد درک کودک

احمدرضا توجهی^۱ و فاطمه حدیده^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران. تهران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

چکیده

به نظر می‌رسد یکی از دغدغه‌های مهم جامعه امروزی در امور کودکان بحث آموزش جنسی کودکان باشد. با وجود تحقیقات فراوان در این زمینه در تمام دنیا به نظر می‌رسد همچنان نگرانی‌هایی در حوزه آموزش مسائل جنسیتی کودکان وجود دارد. یکی از این نگرانی‌ها، نگرانی درباره سن و سال شروع آموزش مسائل جنسیتی است. اگرچه محدودیت‌های مشخصی در مورد آموزش مسائل جنسیتی برای کودکان وجود ندارد، اما باید یک برنامه مشخص برای انتقال این امر به کودکان وجود داشته باشد. سوءاستفاده‌های مسائل جنسیتی باعث تحت‌الشعاع قرار گرفتن زندگی کودکان در بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌شود. کودکانی که تربیت مسائل جنسیتی صحیحی نداشته‌اند، نه تنها بیشتر مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند، بلکه در درمان اتفاقات پس از قربانی شدن به مشکلات فراوانی برمی‌خورند. در این پژوهش علاوه بر مطالعه نیاز به آموزش مسائل جنسیتی در خانواده و محیط‌های آموزشی به لزوم استفاده از ادبیات کودک در این مورد در ایران اشاره شده است و در پایان این پژوهش این نتیجه به دست آمده است که حداقل سه راهکار برای آموزش کودکان وجود دارد. نخست آموزش در خانواده‌ها، دوم آموزش در محیط‌های یادگیری و سوم آموزش با ادبیات کودکان که با توجه به محدودیت‌های فکری، سنتی، مذهبی و فرهنگی در ایران ادبیات کودک می‌تواند گزینه بسیار مناسبی برای آموزش مسائل جنسیتی به کودکان باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مسائل جنسیتی کودک، تربیت جنسی، ادبیات کودک ایران، درک جنسی کودکان.

مقدمه

آموزش مسائل جنسیتی فرایندی است که به موجب آن افراد اطلاعات و دانش لازم را در مورد رابطه جنسی و هویت جنسی به دست می‌آورند و نگرش، اعتقاد و ارزش خود را شکل می‌دهند. (جنو، ۲۰۲۰: ۲) تعاریف بسیاری در زمینه آموزش‌های جنسیتی صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه نسیح اولون^۱ در تعریف آموزش مسائل جنسیتی می‌نویسد: آموزش مسائل جنسیتی تلاش برای آگاهی دادن و اطلاع‌رسانی در مورد مسائل جنسیتی است که به کودکان ارائه می‌شود، به طوری که کودک بتواند مشکلات مربوط به رابطه جنسی، غریزه و ازدواج را درک کند. (تیرتاویناتا، ۲۰۱۶: ۴) لازم است والدین و مسئولین آموزش کودکان با آموزش مسائل جنسیتی به کودکان فضای امن‌تری را در جامعه برای خانواده‌ها فراهم کنند، از این‌رو محققان بیان می‌کنند که بحث‌های جنسیتی که با هدایت والدین برای فرزندان خود صورت می‌گیرند، می‌توانند با بهبود سلامت جنسی یک نوجوان جامعه را تغییر دهند.

(شپرد، ۲۰۲۰: ۵۲) تحقیقات نشان می‌دهد که هرچه کودکان نسبت به رابطه جنسی با والدین مباحث مداوم داشته باشند، از نظر جنسی سالم‌تر خواهند بود. (کورتونچو، ۲۰۱۶: ۲۰۸)

با وجود تحقیقات فراوان در این زمینه در تمام دنیا به نظر می‌رسد، همچنان نگرانی‌هایی در حوزه آموزش مسائل جنسیتی کودکان وجود دارد. یکی از این نگرانی‌ها، نگرانی درباره سن و سال شروع آموزش مسائل جنسیتی است. در مورد اینکه آیا کودکان پیش‌دستانی باید آموزش مسائل جنسیتی دریافت کنند، ایده‌های مختلفی وجود دارد که مباحثی از جمله اینکه آموزش شامل چه مواردی است؟ و در چه زمان شروع این آموزش‌ها مناسب است؟ به‌ویژه آگاهی والدین از نقشی که در رشد شخصی فرزندان خود ایفا می‌کنند، تأثیر مثبتی در رشد جنسی فرزندان آن‌ها خواهد داشت. انتظار می‌رود کودکی که آموزش و پرورش مسائل جنسیتی را در مراحل مختلف به روشی متناسب با سن خود دریافت می‌کند، در روابط خود با جنس مخالف در زندگی پیش رو رابطه پایدارتری داشته باشد. (کورتونچو به نقل از توزکوگ، ۲۰۱۵: ۲۱۶) علاوه بر مسائل ذکر شده، آموزش مسائل جنسیتی می‌تواند یک جور محافظت-در برابر اتفاقات و سوءاستفاده‌هایی که می‌تواند برای کودک حادث شود-برای کودکان به حساب آید. سوءاستفاده از کودکان یک مشکل جهانی است که شیوع آن در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است. (امینی، ۱۳۹۴: ۳) در ایران نیز با وجود پیشینه‌های مذهبی و فرهنگی خانواده‌های ایرانی آمارهای چشم‌گیری در زمینه کودک‌آزاری جنسی به چشم می‌خورد. برای نمونه در ایران بررسی‌ای که دفتر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی انجام داده است، میزان کودک‌آزاری جنسی را از ۸ تا ۱۵ درصد گزارش کرده‌اند که با عوارض منفی متعدد در دوران کودکی از جمله اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی، اضطراب، مشکلات رفتاری و رفتارهای جنسی همراه است. (همان) از این رو احساس می‌شود آموزش‌های مسائل جنسیتی و پذیرفتن بعد جنسی به‌عنوان جنبه‌ای کاملاً طبیعی از وجود انسان و احساس رضایت و راحتی نسبی در برخورد با مسائل جنسیتی فواید زیادی در راستای سلامت انسان دارد. این احساس راحتی به این معنی است که افراد قادر به گفت‌وگوی مؤثر در مورد مسائل جنسیتی بوده و نسبت به طبیعت و ماهیت جنسی خویش احساس امنیت کنند. در این زمینه برطرف ساختن برخی تابوهای مرتبط با مسائل جنسیتی گفت‌وگوهای جنسیتی را تسهیل می‌بخشد و کمک شایانی به ارتقای سلامت جنسی کودکان می‌نماید. (همان، ۱۵) برای جلوگیری از وقوع سوءاستفاده‌های جنسی و افزایش سلامت روانی جامعه به نظر می‌رسد نیاز به آموزش جنسی کودک امری ضروری باشد. یکی از ابزارهای آموزش کودکان همواره استفاده از ادبیات کودکان بوده است. از این رو در این پژوهش سعی شده است تا به مطالعه جنبه‌های مختلف آموزش کودکان پرداخته شده و در نتیجه آگاهی نسبت به عمل کرد آموزشی افزایش پیدا کند.

درک کودک نسبت به مسائل و آموزش مسائل جنسیتی

میزان درک کودکان نسبت به آموزش‌های مسائل جنسیتی باعث شناخت محدودیت‌های آموزش در این زمینه و همچنین ارائه راه‌کارهای بهتر در حوزه آموزش مسائل جنسیتی کودکان است. به گفته برخی کارشناسان هیچ محدودیت مشخصی در زمینه آموزش مسائل جنسیتی وجود ندارد. آموزش مسائل جنسیتی می‌تواند از وقتی کودک شروع به سؤال درباره اقدام‌های جنسی می‌کند، شروع شود. پاسخ با توجه به میزان کنجکاوی و سن کودکان داده می‌شود. (تیرتاویناتا، ۲۰۱۶: ۶) به نظر می‌رسد در این نوع نظریات کارشناسان اهمیت نوع و میزان پرسش کودکان زیاد نیست و مهم این است که چه پاسخی در قبال سؤال‌هایشان دریافت می‌کنند. معمولاً کودک از چیزهایی مانند چگونگی تولد برادر یا خواهر کوچک‌ترش می‌پرسد. در این حالت والدین باید جوابی عاقلانه دهند تا کودک وقتی همان سؤال را از دیگران می‌پرسد، از شنیدن جواب‌های مختلف سردرگم نشود. (همان، ۷)

اگرچه محدودیت‌های مشخصی در مورد آموزش مسائل جنسیتی برای کودکان وجود ندارد، اما باید یک استراتژی برای انتقال این امر وجود داشته باشد. انتقال آموزش باید با هدف، سطح عمق مطالب، سن بچه‌ها، سطح دانش و بلوغ فرزندان و رسانه‌هایی که استفاده می‌شود، سازگار باشد. در پیوند با فرهنگ محلی توضیحات نباید با سنت محلی آموزه‌های مثبت، اخلاقی و مذهبی

مغایرت داشته باشد. (همان، ۶) از این رو برای آموزش مسائل جنسیتی کودکان به نظر می‌رسد نمی‌توان یک استراتژی کلی بیان کرد. آموزش‌های ذکر شده در تحقیقات مختلف با توجه به سن کودکان و میزان درک آن‌ها نسبت به مسائل جنسی و همینطور مسائل اجتماعی متفاوت است، اما با این حال به نظر می‌رسد تمام نظریاتی که در این مورد ارائه شده است، با وجود اختلاف در سن و سال و محیط و ... همگی بر اهمیت و لزوم آموزش جنسی و نیز ایجاد درک بیشتر از مسائل جنسیتی برای کودک پافشاری دارند.

اهمیت آموزش مسائل جنسیتی در مقاطع ابتدایی

یکی از بیشترین مطالبی که در زمینه آموزش مسائل جنسیتی کودکان به آن اشاره شده است، آموزش در مقاطع تحصیلی پایه است. سال‌های پیش‌دبستانی از مهم‌ترین سال‌های زندگی کودکان است. (کورتونچو، ۲۰۲۰: ۲) در این دوره کودکان خواسته‌ها و ویژگی‌های رشد و تکامل جنسی و جنسیتی خود را به‌تنهایی یا در تعامل با دیگران کشف می‌کنند. (جنو به نقل از ورتل، ۲۰۲۰: ۳) رفتارهای جنسی مانند دست زدن به اندام‌های جنسی خود، سؤال از تفاوت دختران و پسران و یزشک‌بازی کردن در کودکان کاملاً مکرر است. (جنو به نقل از بیرویل، ۲۰۲۰: ۲) نگرش‌های متفاوتی درباره ضرورت آموزش مسائل جنسیتی برای کودکان وجود دارد. برخی بر این باورند که دوره پیش‌دبستانی برای آغاز آموزش‌های مسائل جنسیتی مناسب نیست. (جنو به نقل از کینگزلی، همان) در صورتی که برخی از مطالعات نشان می‌دهد که ۳۰٪ از کودکان قبل از ۶ سالگی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. (جنو، ۲۰۲۰: ۲) کودکان پیش‌دبستانی به‌علت ندانستن اسامی آناتومیکی بدن ممکن است، در معرض سوءاستفاده‌های جنسی متفاوتی قرار گیرند. آموزش مسائل جنسیتی به کودک در صورتی فرهنگی و ارائه اطلاعات دقیق که بر مبنای شرایط سنی و مناسب در مورد اعضای بدن و عملکرد هر یک از آن‌ها باشد، از سوءاستفاده‌های جنسی کودکان می‌کاهد. آموزش مسائل جنسیتی به کودک به‌ویژه زمانی که این آموزش از جانب والدین آگاه صورت پذیرد با کسب اعتماد به نفس همراه است. زمانی که این آموزش نادیده گرفته شود، کنجکاو کودک با جست‌وجو بر روی بدن خود و یا کودک دیگر رخ خواهد داد. (فاتحی، ۱۳۹۸: ۱۴) از این رو آموزش‌های مسائل جنسیتی در مقاطع ابتدایی می‌تواند سلامت جنسی کودکان کمک ویژه‌ای کند و در نهایت سلامت جنسی آن را در بزرگسالی و در اجتماع ارتقا دهد.

سوءاستفاده جنسی از کودکان

در بخش‌های ۱ و ۲ این مقاله چندین مرتبه کلمه‌هایی نظیر سوءاستفاده‌های جنسی استفاده شده است، در صورتی که با یک مشاهده میدانی ابتدایی که به صورت مصاحبه‌ای شفاهی از میان ۴۰ خانواده به صورت گزینش انتخابی انجام شد، پژوهشگران این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که اغلب خانواده‌ها (۳۳ خانواده) تعریف کاملی از سوءاستفاده جنسی ندارند و صرفاً آسیب جنسی بعد از تجاوزهای جنسی را تحت عنوان سوءاستفاده جنسی می‌شناسند. از این رو اهمیت تعریف این عبارت اهمیت دارد. بر طبق بعضی منابع سوءاستفاده جنسی کودکان عبارت است از رابطه جنسی اجباری و فریب‌کارانه یک بزرگسال با یک کودک (امینی، ۱۳۹۴: ۳) از آنجایی که بیش از ۸۰ درصد موارد آزار و اذیت جنسی گزارش نشده و حتی سوءرفتارهای جسمی و عاطفی نیز کمتر نمود می‌یابد، آمار دقیقی از میزان کودکان قربانی سوءاستفاده شده در دست نیست. مطالعات مختلف میزان شیوع آزار جنسی را ۱۱۱ تا ۶۲ درصد گزارش نموده‌اند. (همان، ۶) یکی از بزرگترین مشکلات در حوزه شناسایی کودکان قربانی آزار و سوءاستفاده جنسی نداشتن اطلاعات دقیق است که به یقین می‌توان گفت دلیل آن نبود آموزش صحیح جنسی در قبال سوءاستفاده شونده‌ها است. چنانکه طبق آماري که سازمان بهداشت جهانی (WHO) گزارش کرده است، ۵۰٪ کودکانی که در طول زندگی خود نوعی از سوءاستفاده جنسی را تجربه می‌کنند، درباره آن سکوت کرده و با این تروما زندگی می‌کنند. (جنو به نقل از منجرى، ۲۰۱۶: ۷) تعداد کمی از مطالعات این موضوع را در ایران بررسی کرده‌اند. در مطالعه‌ای که دفتر پیشگیری اجتماعی سازمان بهزیستی کشور انجام داده است، میزان کودک‌آزاری جنسی ۸ تا ۱۵ درصد است. (نشاط‌دوست، ۲۰۱۶: ۲۰۱) فقدان ارائه آموزش جنسی برای کودکان ممکن است آن‌ها را در معرض سوءاستفاده جنسی قرار دهد. (جنو به نقل از عبدالحمید، ۲۰۱۳: ۲۸) سوءاستفاده جنسی اثرات منفی بر روی

کودکان دارد و باعث بروز ناهمخوانی سن و رفتار جنسی و مشکلات رفتاری در قربانی می‌شود. همچنین می‌تواند اختلالات قابل توجهی مانند اضطراب و افسردگی ایجاد کند (ژانگ، ۲۰۱۳: ۳۷)، اما در این موضوع صرفاً آموزش جنسی برای کودکان مطالعه نمی‌شود، بلکه اختلالات رفتاری بزرگسالان نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی چهار دسته از مشکلات یا علائم وجود دارد که به‌طور معمول در بین بزرگسالانی مشاهده می‌شود که از بدرفتاری جنسی کودکان استفاده می‌کنند: مشکلات تنظیم عاطفی (نقص صمیمیت)، مهارت‌های اجتماعی، برانگیختگی جنسی انحرافی و تحریفات شناختی (وارد، ۲۰۰۲: ۳۴۴) از این‌رو رفتار جنسی ناصحیح کودکان نیز باعث بروز اختلالات بزرگسالان می‌شود و خطرات آسیب‌های جنسی و احتمال سوءاستفاده‌های جنسی را افزایش می‌دهد.

تأثیرات و آسیب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت سوءاستفاده جنسی

سوءاستفاده‌های جنسی باعث تحت‌الشعاع قرار گرفتن زندگی کودکان در بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌شود. کودکانی که تربیت جنسی صحیحی نداشته‌اند، نه تنها بیشتر مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند، بلکه پس از قربانی شدن یا از آن آگاه نیستند و یا رفتار صحیحی از خود بروز نمی‌دهند. آثار و نتایج کودک‌آزاری را از دو منظر می‌توان بررسی کرد؛ یکی از حیث آثار کوتاه‌مدت و دیگری آثار بلندمدت. به این معنا که برخی از این آثار فقط درمورد کودک اتفاق می‌افتد و مشکلاتی را برای خود او ایجاد می‌کند، اما آثار بلندمدت کودک‌آزاری را در زندگی آینده فرد باید دید که علاوه بر خود فرد متوجه اجتماع و افراد دیگر نیز می‌شود. (حاج ایریلو، ۱۳۹۸، ۷۸)

محققان در مقاله‌ای بیان داشته‌اند که: «آسیب می‌تواند هم در کوتاه‌مدت و هم طولانی مدت ازجمله روانشناسی (فشار روانی/ غیرطبیعی)- فرد را تحت تأثیر قرار دهد. آثار روانشناختی، عاطفی، جسمی و اجتماعی این نوع آسیب‌ها عبارتند از: افسردگی، اختلال اضطراب پس از حادثه، عزت نفس بد و پایین، اختلال‌های شخصیتی و اضطرابی و اختلال در خوردن و آشامیدن. اختلالات روانشناختی عبارتند از: سوماتیزه شدن گسترده، درد عصبی، درد مزمن، تغییر در رفتارهای جنسی، مشکل مدرسه و یادگیری. سایر مشکلات رفتاری ازجمله سوء مصرف مواد مخدر، رفتارهای آسیب‌زا، بی‌رحمی با حیوانات، جرم و خودکشی در بزرگسالی. درمان مکرر قربانیان تا زمانی که بزرگ شوند، می‌تواند تأثیراتی را بر اثرات منفی طولانی مدت بر رشد ذهنی آن‌ها بگذارد. این مطالعه می‌گوید اثر و نتیجه سوءاستفاده جنسی از کودکان موارد روانشناسی بزرگسالان ازجمله خودکشی و رفتارهای ضداجتماعی وجود دارد.» (تیرتاویناتا، ۲۰۱۶: ۴) طبق مطالعه‌های کودکانی که به‌عنوان افراد آسیب‌دیده شناسایی شده‌اند، به‌طور معنی‌داری علائم و آشفتگی‌های هیجانی و رفتاری را بیشتر گزارش می‌کنند و نمرات آن‌ها در مقیاس‌های اضطراب و افسردگی بسیار بالا بوده است. (امینی، ۱۳۹۴: ۳) مطالعات اخیر نشان می‌دهد که سوءاستفاده جنسی ممکن است مخرب باشد، به‌خصوص هنگامی که در سن بسیار پایین رخ می‌دهد و با سطح بالایی از افسردگی مکرر در میان کودکان مورد آزار قرار گرفته همراه خواهد بود. (همان) پس می‌توان گفت نه تنها آموزش جنسی کودکان راه حلی برای محافظت بیشتر در برابر قربانی شدن است، بلکه می‌تواند موضوعی دارای اهمیت فراوان برای مشکلات پس از قربانی شدن باشد، چراکه می‌تواند کودک را تا طی شدن فرآیند بزرگسالی در چرخه زندگی سالم قرار دهد. برای بررسی نظریات دقیق‌تر دلایل سوءاستفاده جنسی از کودکان در ادامه به نظریه فینکلور و همینطور نظریه هال و هیرشمن پرداخته شده است. فینکلور اظهار می‌دارد که بررسی دقیق ادبیات مربوط به سوءاستفاده جنسی کودک نشان می‌دهد که چهار عامل اساسی به‌طور معمول برای توضیح وقوع سوءاستفاده به‌کار رفته‌اند. این عوامل به این شرح است:

رابطه جنسی با کودکان از نظر عاطفی برای مجرم رضایت‌بخش است (گروه عاطفی).

مردانی که مرتکب جرم شده‌اند با کودک تحریک جنسی می‌شوند (برانگیختگی جنسی).

مردان با فرزندان رابطه جنسی دارند، زیرا قادر به پاسخگویی به نیازهای جنسی خود از طرق مناسب اجتماعی نیستند (انسداد).

و در آخر اینکه این مردها منجر شده و به روشی رفتار می‌کنند که به‌طور عادی رفتار نمی‌کنند. (وارد، ۲۰۰۲: ۳۲۵)

ایده اصلی در نظریه فینکلور این است که این چهار مجموعه از عوامل را می‌توان به چهار پیش شرط تقسیم کرد که باید قبل از وقوع سوءاستفاده جنسی از کودک برآورده شود. این پیش شرط‌ها شامل:

انگیزه سوءاستفاده جنسی از کودک

غلبه بر مهارهای داخلی

غلبه بر مهارهای خارجی

برخورد با مقاومت احتمالی کودک در برابر سوءاستفاده

عوامل یک، دو و سه: سازگاری عاطفی، برانگیختگی جنسی کودکان و انسداد جنسی همه با پیش شرط ۱ مرتبط هستند. این یعنی انگیزه رفتارهای جنسی با کودک، عامل نهایی، عدم تمیز، مربوط به پیش شرط ۲، غلبه بر مهارهای داخلی، است. (همان، ۳۲۷) طبق این نظریه می‌توان گفت که مقاومت و تربیت و آموزش جنسی کودک می‌تواند شانس بروز خشونت‌ها و سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان را کاهش دهد.

چهارگانگی هال و هیرشمن (۱۹۹۱) نیز الگوی پرخاشگری جنسی علیه کودکان مبتنی بر چهار مؤلفه است:

برانگیختگی جنسی فیزیولوژیکی

شناخت‌های توجیه‌کننده پرخاشگری جنسی

کنترل‌های عاطفی

مشکلات شخصیتی. (همان، ۳۳۰)

با استناد به این نظریه هم همانند نظریه فینکلور می‌توان به این نتیجه‌گیری کلی رسید که آموزش صحیح جنسی به کودک می‌تواند به‌عنوان عامل پیش‌گیری‌کننده مفیدی-هم برای کودک در معرض خطر و هم برای بزرگسال در معرض اختلالات روانی و اجتماعی-به حساب بیاید.

لزوم شناخت تمایلات جنسی کودک در سنین ابتدایی

در قسمت ۳ به اهمیت لزوم آموزش جنسی در مقاطع ابتدایی تحصیلی پرداخته شد. در این بخش به اهمیت شناخت تمایلات جنسی کودک پرداخته خواهد شد. آموزش جنسی از سنین پایین بسیار مهم است، زیرا در صورت نبود چنین آموزش‌هایی زیان فراوانی به قربانیان وارد می‌شود. تمایلات جنسی که به گونه‌ای به خود کودک ارتباط دارد، از دیگر دلایل مهم آموزش جنسی کودکان است. (تیرتاویناتا، ۲۰۱۶: ۵) اهمیت آموزش جنسی زود هنگام نیز به دلیل شکل‌گیری بخش اساسی شخصیت انسان در دوران کودکی است. روانکاو در سال اول رشد شخصیت اصلی کودک اثر خوب و بد را اثبات کرده‌است. (همان) از این رو مهم است که تمایلات جنسی کودکان در ابتدایی‌ترین نهادها شناسایی شود.

ابوالقاسمی و همکارانش بیان می‌کنند: نهاد آموزشی مدرسه و خانواده از مهم‌ترین نهادهاست. مفاهیم کلی توصیف‌کننده ساختار این نهادها عبارتند از: فرهنگ ممنوعیت و محدودیت عملکرد مربیان در نهاد مدرسه و در نهاد خانواده فرهنگ سکوت برای مراقبت، محافظت و کنترل فرزندان و نگرش و قدرت تصمیم‌گیری والدین. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۳۱) آن‌ها علاوه بر مطالعه تئوریک، دیدگاه مربیان بهداشت مدارس را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند و آورده‌اند که: «از دیدگاه این مربیان رشد و تکامل جسمی، جنسی و روحی انسان به هم مرتبط است و آموزش سلامت جنسی برای شکل‌گیری صحیح هویت جنسی، نقش جنسی، تفکر جنسیتی و احساسات جنسی دانش‌آموزان ضروری است. آن‌ها معتقد بودند در حال حاضر برای آموزش سلامت جنسی در هر سنی تفکیک جنسیتی وجود دارد. این آموزش‌ها را برای هر یک از دو جنس به صورت جداگانه و با زبان مخصوص همان جنس لازم می‌دانستند.» (همان، ۳۴ و ۳۵) که در بخش‌های بعدی مقاله به موضوع تربیت خاص برای دسته‌بندی‌های مختلف کودکان بیشتر پرداخته خواهد شد.

علاوه بر این موضوع، آموزش جنسی دانشی ارائه می‌دهد که باعث می‌شود کودکان تمایل به دریافت منطقی حقیقت در مورد مشکلات جنسی و تولید مثلی داشته باشند. در رابطه با آموزش جنسی زود هنگام بسیار این نکته دارای اهمیت است که این موضوع برای کودک به مثابه تلاش آگاهانه‌ای است که از سن کودکی بزرگسالان به کودکان ارائه می‌دهند. با مطالبی که دربارهٔ اندام‌های جنسی ارائه می‌شود، کودک نگرش صحیح را حفظ می‌کند و با آن رفتارش را شکل می‌دهد. آموزش جنسی تلاشی برای انتقال دانش و ارزش عملکرد ژنتیکی و جسمی انسان به‌ویژه در رابطه با جنس‌های زن و مرد است. آموزش جنسی همچنین یک تلاش آموزشی، آگاهی و اطلاعات در مورد مسائل جنسی است تا کودکان را از عادت به رابطهٔ جنسی غیرقانونی دور نگه دارد، از جمله آن‌ها را از آزار و اذیت جنسی محافظت می‌کند. (تیرتاویناتا، ۲۰۱۶: ۴) همان‌طور که بیان شد، دورهٔ ۰ تا ۶ سالگی که به اوایل دورهٔ کودکی (دورهٔ پیش‌دبستانی) مشهور است، یک دورهٔ بسیار مهم است که در آن سریع‌ترین سطح یادگیری قرار دارد، کودک بیشترین تأثیرپذیری را از عوامل محیطی دارد و بالاترین میزان شانس وجود دارد که کودک در سال‌های بعد نگرش، رفتار و عادات اکتسابی را حفظ کند. در این دوره که اساس شخصیت کودک شکل می‌گیرد، کودک به یک منبع آگاه دربارهٔ زمینه‌های توسعه و پیشرفت نیاز دارد. یکی از آن مناطق رشد جنسی کودک است. مانند بسیاری از مباحث دیگر اهمیت دادن به آموزش جنسی در این دوره از نظر توسعه از مزایای زیادی برخوردار است. (کورتونجو، ۲۰۱۵: ۲۱۰) کودکان بین ۵ تا ۶ سال ممکن است سعی کنند پستان‌های مادر یا سایر زنان را لمس کنند، این نشان می‌دهد این جمله که «تمایلات جنسی و آموزش جنسی در دوران نوجوانی آغاز می‌شود» به کم‌دقت‌ترین شکل ممکن تعبیر و فهم شده است. (همان، ۲۱۶) به‌طور کلی می‌توان این نتیجه را گرفت که تمایلات جنسی کودکان در سنین ابتدایی شامل پرسش‌ها و کنجکاو‌ی‌های مختلف کودک دربارهٔ بدن خود و بدن دیگران و همچنین چگونگی فرآیند تولد و احساسات خوشایندی که در لمس کردن اندام جنسی وجود دارد، می‌شود؛ همچنین ممکن است برای بعضی از کودکان این تمایلات فراتر رفته و دربارهٔ تمایلات جنسی خود کودک هم صحبت شود، چنانکه دربارهٔ کودکان با تمایلات هم‌جنس‌گرا مقالات متعددی نوشته شده است. سیاریفالدین (۲۰۰۷) آموزش رابطهٔ جنسی را طبق مرحلهٔ رشد کودکان طبقه‌بندی می‌کند و در هر مرحله توصیه‌هایی برای تربیت و آموزش جنسی ارائه می‌دهد.

اول تمییز (قبل از بلوغ) است. این مرحله بین ۷ تا ۱۰ سالگی است. در این مرحله یاد می‌گیرد که هویت شخصی‌اش با ارگان‌های بیولوژیکی و همچنین با تفاوت‌های بین زن و مرد ارتباط نزدیکی دارد.

دوم مرحله (قبل از بلوغ) است. این مرحله در سنین ۱۰ تا ۱۴ سالگی است. در این مرحله باید به کودکان توضیحات علمی در مورد عملکرد بیولوژیکی، محدوده‌های تناسلی، نجابت، اخلاق در جامعه و عزت نفس داده شود.

سوم بلوغ (سن نوجوانی) است. این مرحله در سنین ۱۴ تا ۱۶ سالگی است. این مرحله حساس‌ترین و مهم‌ترین مرحله است، زیرا گزینه کنجکاو‌ی در کودکان به همراه بلوغ فکری به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. در این مرحله کودکان آماده ازدواج و برقراری رابطهٔ جنسی هستند که با عملکرد اندام‌های تولید مثلی آن‌ها در ارتباط است و والدین می‌توانند اخلاق روابط جنسی را به فرزندان خود بدهند.

چهارمین دوره دوران جوانی است، پس از یک دوره نوجوانی. در این زمان، در صورتی که نتوانسته باشد ازدواج کند، درس اخلاق (خودنگهداری) داده می‌شود. (تیرتاویناتا، ۲۰۱۶: ۶ و ۷)

بر طبق این نظریه آموزش‌های مختلف به یک کودک در سنین مختلف متفاوت است. نیازی نیست کودک در مرحلهٔ (۱) آموزش‌های مرحلهٔ (۴) را ببیند و مطالب مشابه آن، اما بر طبق این نظریه در مرحلهٔ (۳) کودک باید درک صحیحی از رابطهٔ جنسی داشته باشد تا بتواند سلامت فردی، روانی و اجتماعی خود را برقرار سازد.

تأثیرات آموزش مسائل جنسیتی به کودک

آموزش جنسی زود و به‌موقع به کودکان آن‌ها را از سوءاستفاده جنسی محافظت می‌کند. این انتظار می‌رود که با دانش و نگرش صحیح نسبت به اندام‌های جنسی در سنین کودکی و نوجوانی، آن‌ها بتوانند خود را در برابر تحریکات بزرگسالانی که آزار و اذیت جنسی انجام می‌دهند، محافظت کنند. (همان، ۵) پژوهش‌های خارج از ایران نشان می‌دهد که توضیح درباره آموزش جنسی در سنین پایین (و در بزرگسالی) مزایایی دارد. چند نمونه از این مزایا عبارتند از:

به کودکان کمک می‌کند تا مباحث بیولوژیکی از جمله رشد، بلوغ و بارداری را بشناسند.

جلوگیری از خشونت کودکان.

کاهش گناه، شرم و اضطراب به دلیل عمل جنسی.

جلوگیری از بارداری زیر سن.

ممانعت از نوجوانان کم‌سن از انجام رابطه جنسی (مقایرت جنسی).

کاهش موارد عفونت یا بیماری به دلیل رابطه جنسی.

کمک به جوانان در مورد فهم نقش زن و مرد در جامعه. (همان، ۷)

همچنین در پژوهش‌های داخل ایران نتایج مطالعات محققانی از جمله خوبی و همکاران نشان داد والدین ایرانی معتقدند تکامل جنسی کودک باید در خانواده جهت داده شود. (فاتحی، ۱۳۹۸: ۱۴) از این رو می‌توان مطابقت‌هایی را بین آموزش جنسی خارج از ایران با ایران یافت که در نهایت می‌توان این احتمال را داد که هر هفت مورد ذکر شده در این قسمت می‌تواند آمار قربانیان این موارد را به مراتب کمتر کند. در ادامه به مسئولیت خانواده‌ها و نیز انطباق آموزش‌های جنسی با فرهنگ و جغرافیای ایران خواهیم پرداخت.

تأثیر خانواده در آموزش جنسی کودک

خانواده به‌خاطر اولویت در حق تربیت و مراقبت فرزندان وظیفه و مسئولیت بیشتر و سنگین‌تری دارد. (هاشمی، ۱۳۹۸: ۸۸) تأثیر آموزش‌های جنسی مبتنی بر خانواده، سلامت نوجوانان و ارتباط صریح کودک و والدین قویاً نشان داده شده است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸)

در تحقیقات اخیر نشان داده شده است که والدین می‌توانند میزان رابطه جنسی پرخطر فرزندان را به‌وسیله بحث‌های والدین و فرزند کاهش دهند. (شپرد، ۲۰۲۰: ۵۲) در مطالعه دانشگاه پنسیلوانیا بر لزوم بهبود رهبری والدین در بحث‌های جنسی والدین و کودک تأکید می‌شود. این نشان داد که والدین (از سایر منابع مدرن) منبع اصلی و بهترین منبع برای دانش جنسی فرزندان خود هستند (همان) همچنین در سال ۲۰۱۵ درباره نقش والدین در شکل‌گیری و بهبود سلامت جنسی کودکان انجام دادند، نتایج اغلب آن‌ها نامطلوب بود، زیرا عوامل و جنبه‌های متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، جنسیتی، روانشناسی، آموزشی، توسعه‌ای، درون فردی و بین فردی بر اثربخشی و موفقیت یک برنامه آموزش جنسی والدین در رابطه با سلامت مطلوب جنسی کودکان تأثیر می‌گذارد. (هاشمی، ۱۳۹۸: ۸۸) با این حال والدین مسئول آموزش فرزندان خود از جمله آموزش جنسی هستند. از زمان کودکی کودکان وقت خود را با والدین می‌گذرانند، به‌گونه‌ای که بیشتر والدین شخصیت فرزندان خود را می‌شناسند. نزدیکی رابطه آن‌ها باعث می‌شود والدین نسبت به آنچه که برای فرزندان‌شان رخ می‌دهد، حساسیت داشته باشند. در صورت بروز تغییرات نادرست والدین به‌سرعت متوجه آن می‌شوند. والدین می‌توانند سوءاستفاده از کودکان را زودتر تشخیص دهند. آموزش جنسی نمی‌تواند از جنبه‌های تربیت اخلاقی و جنبه‌های ایمان جدا شود. به این ترتیب والدین باید این دانش را به فرزندان بدهند تا خود را از آزار و اذیت جنسی دور نگه دارند. (شپرد، ۲۰۲۰: ۵۰) راه حلی که می‌تواند تأثیر فوری داشته باشد، روشی است که والدین برای برقراری ارتباط جنسی با فرزندان انتخاب می‌کنند- بحث‌هایی که با توجه به نیازهای کنونی کودک جامع‌تر است، به‌طور مداوم در دوران نوجوانی و

به‌طور مساوی هریک از والدین در مورد آن‌ها یا کودک خود بحث می‌کنند. (همان: ۵۱) برخی والدین می‌گویند مکالمه‌های جنسی فعلی آن‌ها با فرزندان‌شان به اندازه کافی و مکرر برای بهبود سلامت جنسی فرزندان‌شان است. با این حال تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که والدین فکر می‌کنند از آنچه که انجام می‌دهند، بهتر عمل کرده‌اند. در مطالعه قبلی دانشگاه پنسیلوانیا نشان داده بود که بسیاری از والدین مایل به گفت‌وگو با فرزندان خود در مورد رابطه جنسی نیستند و تقریباً تمام بحث‌های جنسی والدین و کودک صرفاً یک گفت‌وگوی «پزندگان و زنبورها»ی ناراحت کننده است که فقط یک‌بار در زندگی کودک رخ می‌دهد. (همان: ۵۴) یک مطالعه دیگر در سال ۲۰۱۷ یکی از دلایلی را که والدین ارائه دهنده اصلی دانش جنسی برای فرزند خود هستند، کشف کرد، زیرا والدین می‌توانند از سنین کودکی شروع به پاسخگویی به سؤالات فرزندان خود در مورد رابطه جنسی کنند. این مطالعه همچنین حاکی از آن است که اگر والدین در هدایت این مباحث در دوران نوجوانی پیگیر باشند، میزان رابطه جنسی خطرناک، محافظت نشده و STI نوجوانان را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. این نشان می‌دهد هرچه والدین بیشتر در مورد رابطه جنسی با فرزندان خود صحبت کنند، سلامت جنسی نوجوانان آن‌ها بهتر خواهد بود. (کورتونج، ۲۰۱۵: ۲۰۸) صادق مقدم و همکاران در سال ۱۳۸۴ نیازهای آموزش جنسی والدین را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کردند و نتایج نشان داد که تنها ۲۵/۹٪ مادران قادر به پاسخگویی صحیح به سؤالات فرزندان‌شان بودند که این نتایج اهمیت آموزش و توانمندسازی مادران را نشان می‌دهد. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸) مطالعه دیگری در کرمان (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که اکثریت والدین نگرش منفی نسبت به آموزش جنسی نوجوانان‌شان داشتند. نتایج این مطالعه تغییر نگرش در سطوح اجتماعی و افزایش اطلاعات والدین در این زمینه را پیشنهاد می‌دهد. (همان) و در انتها می‌توان گفت: به هر میزان که والدین در تربیت جنسی کودک از روش‌ها و برنامه‌های اصولی و منطقی استفاده کنند، تربیت جنسی کامل می‌شود. (فاتحی، ۱۳۹۸: ۱۴) از این رو نقش خانواده‌ها و تربیت جنسی آن‌ها برای فرزندان‌شان باعث کاهش ریسک سوءاستفاده‌های جنسی از کودک و در نهایت تربیت صحیح جنسی آن‌ها می‌شود.

تأثیر فرهنگ (ایرانی-اسلامی) در آموزش مسائل جنسیتی کودک

پیش فرض ناصحیحی درباره فرهنگ ایرانی-اسلامی وجود دارد که حرمت میان کودک و والدین باید همواره محفوظ بماند و این حرمت شامل مسائل جنسی و آموزش‌های جنسی است. تحقیقات در این حوزه نشان می‌دهد: محروم ساختن کودکان و نوجوانان از این آموزش‌ها موجب آسیب‌پذیری آن‌ها نسبت به انواع انحرافات جنسی می‌گردد. یکی از علل مقاومت جوامع به لزوم این آموزش‌ها اغلب ریشه در باورها و سنت‌ها داشته و موجب درک نادرست افراد از ماهیت، هدف، محتوای آموزش و اثرات آن می‌شود. باور سنتی بسیاری از والدین این است که صحبت نمودن با کودکان و نوجوانان درباره مسائل جنسی، زمینه انحراف و شروع فعالیت جنسی آنان را فراهم می‌نماید. (بختیاری، ۱۳۹۸: ۵۴) در اسلام والدین موظفند تا از بدو تولد زمینه رشد و تربیت طبیعی از جمله رشد و تربیت جنسی کودک را فراهم سازند؛ لذا توجه به ارتقای آگاهی والدین در خصوص آموزش و تربیت جنسی کودکان و ایجاد نگرش مثبت در آن‌ها ضرورت دارد. (همان) ارضای غریزه در هر جامعه اصولی دارد که لازم است افراد آن‌ها را رعایت کنند. رفتار انسان‌ها در چهارچوب این اصول رفتار جنسی به‌نجار و در خارج از این چهارچوب رفتار جنسی نابه‌نجار شمرده می‌شود. دین اسلام توجه خاصی به مسائل جنسی دارد، زیرا آن می‌تواند سرنوشت انسان را دستخوش تغییر و تحول قرار دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند هیچ‌یک از نیازها را (که انسان به آن احتیاج داشته باشد) رها نکرده است مگر اینکه راه رفع نیازمندی را به پیامبرش آموخته باشد (که به مردم بیاموزد). (همان: ۵۵) از این رو می‌توان این برداشت را از این بحث‌ها داشت که تربیت‌های جنسی نه‌تنها در اسلام و فرهنگ ایرانی-اسلامی خطرناک محسوب نمی‌شود، بلکه با اصول و قواعد فرهنگی می‌توان این آموزش‌ها را از سنین کم برای کودکان انجام داد و ممنوعیتی در این خصوص به‌صورت چشم‌گیر وضع نشده است و آنچه که باعث عدم این آموزش‌ها می‌شود، تربیت‌های ناصحیحی است که ریشه در باورهای سنتی و نادرست دارد و نه ریشه در تمدن و فرهنگ ایرانی یا اسلامی.

استفاده از ادبیات کودکان در تربیت جنسیتی کودک

وقتی به بررسی آموزش‌های جنسی در ایران و به‌طور کلی در دنیا می‌پردازیم، این نتیجه کلی حاصل می‌شود که تنها خانواده‌ها و یا تنها مسئولان و متخصصان آموزشی نمی‌توانند برای آموزش صحیح جنسی کودکان کافی باشد. چراکه نه‌تنها از لحاظ باورهای فرهنگی ممکن است خانواده‌ها در انجام کامل این آموزش‌ها ناموفق باشند، بلکه از لحاظ فنی و تعداد نیروهای متخصص جوامع مختلف به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته، این امر تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد که ادبیات کودکان می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای به کمک خانواده‌ها و جوامع بیاید.

تحقیقات نشان می‌دهد که از قدیم از ادبیات کودکان برای ایجاد انگیزه و تقویت بحث درمورد هویت فرهنگی و موضوعات بحث برانگیز استفاده شده است. (بوکانان، ۲۰۱۹: ۳) یکی از این شیوه‌های مرسوم در آموزش کودکان استفاده کردن از کتاب‌های تصویری است که در حوزه ادبیات کودکان همواره مورد استفاده بوده است.

کتاب‌های تصویری مدت‌هاست که به‌عنوان وسیله‌ای برای آموزش محتوای آکادمیک و کادربندی گفت‌وگوهای کلاس درس خدمت می‌کنند. استفاده از کتاب‌های تصویری با آینه‌ها و پنجره‌ها روشی متداول در گسترش داستان‌های خانواده در آموزش ابتدایی است. ما آینه‌هایی را به‌عنوان داستان می‌فهمیم که با زندگی یا تجربیات خودمان آشنا هستند (خود) و پنجره‌ها داستان‌هایی هستند که منظره‌های متفاوت از دیگری را ارائه می‌دهند. (دیگران) به‌طور خلاصه آینه‌ها زندگی ما را تأیید می‌کنند، درحالی که پنجره‌ها جهان‌بینی‌های ما را گسترش می‌دهند. (همان: ۵۴) از این‌رو به‌نظر می‌رسد ادبیات کودک می‌تواند وسیله‌ای یاری دهنده برای موارد زیر باشد.

۱. شناخت هویت جنسی کودک
۲. تربیت جنسی کودکان
۳. یاری دهنده خانواده‌ها در تربیت اصولی جنسی کودکان
۴. وسیله‌ای برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های جنسی کودکان
۵. وسیله‌ای برای درمان زود هنگام و به‌موقع قربانیان
۶. ارتقاء سلامت جنسی و روانی و اجتماعی کودکان

پس به‌طور کلی شیوه‌های مرسوم آموزش جنسی دنیا فقط منحصر به خانواده‌ها و متخصصان آموزشی نیست و از این‌رو می‌توان با به‌کارگیری ادبیات و سرمایه‌گذاری روی بخش ادبیات کودکان در حوزه آموزش‌های جنسی خطرات ناشی از تربیت‌های ناصحیح جنسی که در طول این پژوهش به آن اشاره شد، کاهش پیدا کرده و موجبات ارتقا سلامت جنسی، روانی و اجتماعی جامعه را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در این پژوهش این نتیجه به‌دست آمده است که مهارت‌های آموزشی که کودکان در مقابل جنسیت خود کسب می‌کنند و آگاهی‌هایی که از طریق آموزش‌های جنسی به‌دست می‌آورند، باعث افزایش درک آن‌ها نسبت به مسئله سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان می‌شود. از طرفی دیگر کودکانی که مراقبت‌های جنسی را آموزش می‌بینند به‌دلیل دقت در رفتار، عملکرد در شرایط بحران و شناخت هویت جنسی خود، کمتر قربانی حوادث جنسی می‌شوند و حتی کودکان آموزش دیده‌ای که قربانی سوءاستفاده‌های جنسی می‌شوند، زودتر با این مسئله کنار آمده و برای بازگشت به شرایط عادی زودتر تحت درمان‌های روانی و فیزیکی قرار خواهند گرفت. در این پژوهش اهمیت آموزش جنسی به کودکان از همان سنین ابتدایی اثبات می‌شود و همین‌طور این نتیجه به‌دست آمده است که در ایران با توجه به شرایط فرهنگی، قومی و مذهبی نیاز به آموزش‌های جنسی چه به خانواده‌ها و چه

به کودکان شدیداً احساس می‌شود. در این پژوهش به سه راه‌کار برای آموزش کودکان اشاره می‌شود. نخست آموزش در خانواده‌ها، آموزش در محیط‌های یادگیری و آموزش با استفاده از ادبیات کودکان. در هر سه این نوع آموزش‌ها وجود کودک به‌عنوان مخاطب کاملاً احساس می‌شود. از طرفی به‌نظر می‌رسد مراکز آموزشی و خانواده‌ها در ایران (و به‌طور کلی در دنیا) به‌دلیل مسائل فرهنگی و مذهبی، کمتر به آموزش جنسی کودکان چه از لحاظ هویت جنسی آن‌ها چه از لحاظ رفتار جنسی و چه از لحاظ آموزش ارتباط جنسی پرداخته و می‌پردازند. از این‌رو وجود ادبیات کودکان در یاری دادن به خانواده‌ها و سیستم‌های آموزشی بسیار مؤثر خواهد بود.

منابع

- ابوالقاسمی، ناربا؛ مرقاتی خوبی، عفت‌السادات و تقدیسی، محمدحسین. (۱۳۸۹). «تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی». *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*. ش ۲. صص ۲۷-۳۹.
- امینی، کیانوش؛ نشاط‌دوست، طاهر؛ مظاهری، محمدعلی و نادی، محمدعلی. (۱۳۹۴). «اثربخشی درمان مبتنی بر آموزش یادآوری خاص بر میزان افسردگی و اضطراب کودکان ۷ تا ۱۱ ساله دارای اختلال استرس پس از سانحه ناشی از سوءاستفاده جنسی». *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک*. ش ۱۲. صص ۱-۱۰.
- بختیاری، افسانه و پاشا، هاجر. (۱۳۹۸). «مروری بر آموزش سلامت جنسی کودکان از دیدگاه اسلام». *نشریه اسلام و سلامت*. ش ۲. صص ۵۴-۶۵.
- حاج ایریلو، شیما؛ خوش‌نویس، الهه و قدرتی، سیمیا. (۱۳۹۸). «تأثیر آموزش خودمراقبتی بر نگرش‌های ناکارآمد زنان داوطلب مربی‌گری تربیت جنسی کودکان». *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*. ش ۱. صص ۷۷-۹۰.
- فاتحی پولادی، حدیث؛ اکبری کامرانی، مهناز؛ جوادنوری، مژگان و فرید، ملیحه. (۱۳۹۸). «اثربخشی یک برنامه آموزشی گروهی بر آگاهی، نگرش و مشارکت مادران در آموزش جنسی کودکان پیش‌دبستانی». *نشریه پرستاری ایران*. ش ۱۱۹. صص ۱۴-۲۷.
- هاشمی بخشی، شبنم؛ جلیلی، زهرا و محمودی مجدآبادی فراهانی، محمود. (۱۳۹۷). «تأثیر مداخله آموزشی نظریه محور بر مهارت مادران درخصوص مراقبت جنسی از کودکان». *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*. ش ۱. صص ۸۷-۹۸.
- Buchanan, Lisa Brown; Tschida, Christina; Bellws, Elizabeth & Shear, Sarah b. (2019). "Positioning childrens literature to confront the persistent avoidance of LGBTQ topics among elementary preservice teachers". *The Journal of Social Studies Research*. No 1. Pp 169-184.
- Jeno, Martin; Riazi, Hedyeh; Firoozi, Armin & Nasiri, Maliheh. (2020). "A sex education program for teachers of preschool children: a quasi-experimental study in Iran". *BMC Public Health*. Pp 1-9.
- Kurtuncu, Meltem; Akhan, Latife Utas; Tanir, Ibrahim Murat & Yildiz, Hicran. (2015). "The sexual development and education of preschool children: knowledge and opinions from doctors and nurses". *Sexuality and disability*. No 2. Pp 207-221.
- Neshatdoost, Hamidtaher. (2016). "Effectiveness of group play therapy on depression and loneliness in 7-11 years old children with post-traumatic stress disorder PTSD caused by sexual abuse in Tehran". *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*. No 2. Pp 130-138.
- Sheppard, Joey. (2020). "America's Teen Sex Education: Can Parents Really Make a Difference?". *The Journal of Student Leadership*. No 2. Pp 49-57.
- Tirtawinata, Christofora Megawati. (2016). "Importance of sex education since early age for preventing sexual harassment". *Humaniora*. No 2. Pp 201-209.
- Ward, Tony & Siegert, Richard J. (2002). "Toward a comprehensive theory of child sexual abuse: A theory knitting perspective". *crime and law*. No 4. Pp 319-351.
- Zhang, Wenjing; Chen, Jingqi; Feng, Yanan; Li, Jingyi; Zhao, Xiaoxia & Luo, Xiaoling. (2013). "Young children's knowledge and skills related to sexual abuse prevention: A pilot study in Beijing, China". *Child Abuse Negl*. No 9. Pp 623-630.